



دغدغه توسعه و امنیت

علی ربیعی، مطالعات امنیت ملی: مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، ۴۳۵ صص.

مقدمه

مطالعات امنیتی را باید از جمله حوزه‌های پژوهشی دانست که طی دهه گذشته به همت مراکزی چون پژوهشکده مطالعات راهبردی، توانسته است رشد و بالندگی درخور توجهی را در جمهوری اسلامی ایران تجربه نماید. نتیجه این تلاش فراگیر، شکل‌گیری مطالعات مدونی است که دلالت بر ظهور نسل جدیدی از نویسندگان دارد. نسلی که دغدغه علمی «درک امنیت» را دارند. آقای دکتر علی ربیعی از جمله محققانی است که تاکنون با انتشار چندین مقاله و ارایه سخنرانی‌های متعدد در این زمینه مشارکت داشته‌اند. کتاب تازه انتشار یافته ایشان در حوزه امنیت ملی تلاش دارد تا متعکس‌کننده نتایج مطالعات پژوهشی مؤلف، به صورتی منسجم و هدفمند باشد و به همین دلیل است که صبغه آموزشی آن پررنگ‌تر است. در این نوشتار، سعی شده تا محورهای اصلی کتاب معرفی و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

الف. معرفی کتاب

چنانکه از عنوان فرعی کتاب برمی‌آید، موضوع محوری آن «بررسی مسایل جهان سوم از منظر مباحث امنیتی» است. برای این منظور مؤلف در هشت بخش به پردازش مطالب خود

پرداخته که از نظر محتوایی می‌توان آنها را در دو قسمت اصلی تقسیم‌بندی نمود: ملاحظات امنیتی و مطالعات توسعه.

اول. ملاحظات امنیت پژوهانه

چهار بخش اول کتاب که دربردارنده ۱۱ فصل است، به ارایه ملاحظات امنیت پژوهانه مؤلف اختصاص دارد. در مجموع می‌توان محورهای اصلی این بخش‌ها را به شکل زیر صورت‌بندی نمود:

۱. امنیت مفهومی نسبی، ذهنی، تجزیه‌ناپذیر، متغیر، متحول و گسترده است که در مجموع از آن تصویری مبهم ارایه می‌شود. به همین دلیل است که تعاریف متعدد و متنوعی از این واژه ارایه شده که هر یک وجهی از امنیت را پوشش می‌دهد. مؤلف، با استفاده از الگوی پیشنهادی شش عنصری ماندل، این ویژگی‌ها را جمع‌بندی و تصویری جامع از آن عرضه کرده است.

۲. اگرچه خاستگاه اولیه مطالعات امنیتی، مکاتب و ملاحظات واقع‌گرایانه است؛ اما در ادامه، شاهد تنوع و تعدد مکاتب امنیتی و طرح جدی الگوهای آرمان‌گرایانه، سازه‌انگاران و مانند آن می‌باشیم.

۳. مطالعات امنیتی در دوره پس از جنگ سرد، دچار تحولی بنیادین شده‌اند که شاخصه اصلی آن توجه به ابعاد و ماهیت نرم امنیت و مسائلی همچون صلح، امنیت اجتماعی و ابعاد داخلی امنیت می‌باشد.

۴. جریان‌های اصلی در حوزه مطالعات امنیتی از مباحثی جدی تأثیر پذیرفته که به طور نمادین از آنها به مباحثه واقع‌گرایان - آرمان‌گرایان، رفتارگرایان - سنت‌گرایان و نئورئالیست‌ها - نئولبرالیست‌ها یاد می‌شود.

۵. مطالعات امنیتی از حیث روش‌شناختی بیشتر متأثر از مکاتب روش‌شناختی پوزیتیویستی بوده است. در واکنش به آنها، طیف جدیدی ظهور کرده که به فرابزیتویست مشهور است. در این تلقی تازه، «تلاش» در تعریف مقولات متفاوت بر اساس عامل مشخص، با

نگرش پوزیتیویستی در مورد امنیت، مغایرت دارد.» در نتیجه این تحول است که مکاتب تازه‌ای چون ساختارگرایی موضوعیت و اهمیت می‌یابند.

۶. مطالعات جدید امنیتی در قالب نگرش «پست‌مدرنیستی» شکل گرفته‌اند که بر تفکیک مرز بین «ما» و «دیگری» استوار است. در نتیجه، می‌توان چنین ادعا کرد که «هویت» مسأله محوری این دسته از مطالعات امنیتی را شکل می‌دهد. ایده غیرامنیتی کردن مسائل از جمله اصول مهم این رویکرد نوین است که توسط اندیشه‌گرانی چون «ویور» مطرح و ارایه شده است. در این راستا، نظریات فمینیستی، اخلاق، و ... به مثابه نحله‌های جدید مطالعات امنیتی در دوره پست‌مدرنیسم به اجمال توسط نویسندگان معرفی شده‌اند.

۷. شناخت امنیت، بدون داشتن چارچوبی نظری که بتواند «رهیافت» ما به موضوع را تبیین کند، غیرممکن می‌نماید. مؤلف در این باره سه رویافت اصلی «ذاتی‌گرایانه»، «قراردادگرایانه» و «گفتمانی» را به اجمال معرفی نموده است.

۸. امنیت از حیث سطح تحلیل، موضوعی متحول و تکامل‌یابنده است که به تعبیر مؤلف تاکنون در چندین سطح طرح شده و تولید متن نموده است. این سطوح عبارتند از: فردی، داخلی، خارجی (منطقه‌ای - بین‌المللی) و بالاخره جهانی.

۹. به تناسب اصل هشتم، مرجع امنیت نیز تحول یافته و دولت، رژیم، جامعه، فرد، و جامعه جهانی را شامل شده است. به زعم مؤلف «به رغم اینکه هیچ نقطه توافقی در مورد مرجع امنیت به چشم نمی‌خورد، اما هیچ محدودیتی نیز برای انتخاب هر یک و یا ترکیبی از آنها وجود ندارد.»

۱۰. امنیت ملی به مثابه مهم‌ترین سطح از تحلیل‌های امنیتی که با امضای قرارداد وستفالیای موضوعیت یافته، در بخش مستقلی از سوی مؤلف مورد بررسی قرار گرفته و بسیاری از اصول نه گانه بالا، مجدداً به بحث و بررسی گذارده شده است. بررسی ابعاد متعدد امنیت ملی شامل سیاسی، اقتصادی، نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی، محور اصلی بخش چهارم کتاب را شکل می‌دهد که در مجموع تصویر نسبتاً جامعی را از تلقی وی در خصوص مفهوم «امنیت ملی» به نمایش می‌گذارد.

دوم. مطالعات توسعه

ذکر نکات ده‌گانه در ۱۶۰ صفحه اول کتاب، در واقع قسمت ملاحظات امنیت‌پژوهانه مؤلف را پوشش داده است.

در نتیجه، زمینه لازم برای ورود به بحث توسعه از منظر امنیتی حاصل می‌شود که دومین قسمت کتاب (از نظر محتوایی) نیز بر همین اساس شکل گرفته است. این قسمت که حجیم‌تر بوده و چهاربخش دیگر کتاب (از فصول پنجم تا هشتم) را شامل می‌شود، دربرگیرنده نکات تحلیلی زیر است:

۱. جهان سوم، وضعیت منحصر به فردی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد به گونه‌ای که نمی‌توان آن را همانند کشورهای توسعه یافته تحلیل کرد. بنابراین بستر «امنیت» نیز در آن متفاوت است و همین امر اقتضا می‌کند تا الگوی تازه‌ای در تعریف و کاربردی نمودن امنیت طراحی شود که متناسب با شرایط و ماهیت این کشورها باشد. مؤلف، این ایده را با استناد به ویژگی مهم «زمینه‌وندی» امنیت طرح می‌نماید که به نظر می‌رسد از استواری لازم برخوردار است و به همین دلیل عمده پژوهشگران امنیتی در این خصوص اتفاق نظر دارند.

۲. اگرچه ضرورت بالا به تعبیر چونگ این مون، غیرقابل انکار می‌نماید؛ اما مطالعات مؤلف در خصوص جهان سوم حکایت از آن دارد که چنین ایده واحدی به دلایل متعدد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اصولاً شکل نگرفته است. به تعبیر نویسنده، اختلاف مفهومی شدیدی در بحث از چیستی امنیت ملی در حوزه جهان سوم پدید آمده است. اختلافی که خود، موج تازه‌ای از تنش‌ها را پدید می‌آورد. مهمترین مشکلات این حوزه عبارتند از: تفاوت نگرش در مقام تعریف مرجع امنیت، تعریف گستره امنیت و بالاخره جایگاه جنگ در معادلات امنیتی. در نتیجه این ملاحظات است که «امنیتی کردن» به پدیده عمومی جهان سوم تبدیل شده و توانسته مشکلات و معضلات عدیده‌ای را برای این بازیگران ایجاد نماید.

۳. بررسی خاستگاه تاریخی جهان سوم و آشنایی با ویژگی‌های آن نشان می‌دهد که «هویت جهان سومی» دارای پاره‌ای تناقض‌ها و پیچیدگی‌های درونی است که در تولید تنش فعال‌اند. به زعم مؤلف، تحولات اخیر در نظام جهانی نیز مجال را بر این تلقی تنگ ننموده و برخلاف گمانه‌زنی‌های موجود، این جهان همچنان وجود دارد و مصادیق خاص خود را می‌یابد. حسب

تقسیم‌بندی امنیتی مؤلف، «جهان سوم متعارض» الگویی عمومی است که بی‌ثباتی، تنش، ضعف و تهدیدات بسیاری را درون خود جای می‌دهد. به عبارت دیگر، جهان جدید نیز توانسته راه‌حل مناسبی برای امنیت‌سازی در این حوزه ارائه دهد و ما همچنان شاهد دغدغه‌های امنیتی جهان سوم هستیم.

۴. امنیت ملی در جهان سوم از سوی پدیده‌های مختلفی تضعیف و تهدید می‌شود که مهمترین آنها را مؤلف به عنوان «عامل»، چنین معرفی می‌نماید:

۴-۱. رشد فزاینده جمعیت که افزایش خواسته‌ها و کاهش کارآمدی نظام‌های سیاسی در تأمین نیازهای عمومی را به دنبال دارد. این واقعیت که در حوزه جهان سوم، رشد جمعیت بر رشد منابع برتری دارد؛ مؤلف را به آنجا رهنمون ساخته تا از تهدید رشد جمعیت سخن بگوید.

۴-۲. عوامل طبیعی که به طور مشخص «وضعیت جغرافیایی نامساعد، شرایط اقلیمی، موقعیت نامناسب و ...» را شامل می‌شود، این کشورها را به شدت آسیب‌پذیر می‌سازد.

۴-۳. دوگانگی مفهومی؛ که به زعم نویسنده، نمایانگر وجود و تداوم تباین فزاینده بین کشورهای ثروتمند و فقیر است. این شکاف به تدریج گسترش یافته و عمیق می‌شود و از این حیث، تولید «تبعیض» و «تحقیر» می‌نماید که جهان سوم را پیوسته تهدید کرده و ملتهب می‌سازد. این پدیده، تبعات خارجی و درونی دارد که مؤلف به صورت مبسوط به آنها پرداخته است.

۴-۴. عوامل روان‌شناختی، چهارمین گروه عوامل را شامل می‌شود که توسط مؤلف در این قسمت بررسی شده‌اند. «خرافات» بودن، سرنوشت‌گرا بودن، محافظه‌کاری و داشتن استراتژی انفعالی» از جمله ویژگی‌هایی هستند که با استناد به تحلیل‌های مختلف طرح و تبعات امنیتی آن برای جهان سوم بیان شده‌اند.

در نهایت و بر مبنای ملاحظات بالا، مؤلف این تلقی را پذیرفته است که «ناامنی» در حوزه جهان سوم موقعیتی ریشه‌دار می‌باشد و مهار آن بسیار دشوار است.

۵. ویژگی‌های مشترک کشورهای جهان سوم، آنها را به سوی الگوی وابستگی با هدف افزایش ضریب ایمنی خویش سوق می‌دهد که تجلی عینی آن را می‌توان در حوزه نظامی مشاهده کرد.

به عقیده مؤلف، نظریه وابستگی از آن حیث که به بی‌ثباتی سیاسی منجر می‌شود، راه‌حل مناسبی نیست و در حکم دامی به شمار می‌آید که بسیاری از جهان‌سومی‌ها ناخودآگاه در آن گرفتار آمده‌اند. معضل «مدیریت امنیتی» در این کشورها در واقع ریشه در هنجار دارد. آنان نمی‌توانند وابستگی نظامی و استقلال سیاسی را جمع نمایند.

۶. بررسی و تحلیل گفتمان‌های مختلف در بحث از توسعه. مؤلف بیان می‌کند که نیل به توسعه و رهایی از وضعیت «توسعه نیافتگی»، تنها گزینه‌ای است که می‌تواند به افزایش ضریب ایمنی این کشورها با کم‌ترین هزینه ممکن سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کمک نماید. تجویز الگوی مبتنی بر همبستگی امنیت - توسعه از سوی مؤلف که بر هم‌راستا بودن توسعه با امنیت مبتنا یافته در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

۷. مقتضای پذیرش الگوی «توسعه - امنیت»، اقدام برای خروج از وضعیت توسعه نیافتگی است که با مفهوم محوری «دوران گذار» شناخته می‌شود. این دوران از حیث امنیتی بسیار دشوار و با ریسک بالا ارزیابی می‌شود و مؤلف برای تبیین ابعاد گوناگون امنیتی آن از نظرات مختلف نوسازی کمک گرفته است. بر این اساس، شاخص‌های زیر می‌تواند میزان توفیق بازیگران را در گذر به وضعیت توسعه‌یافتگی و ایمنی، نشان دهد:

۷-۱. افزایش نسبت شهرنشینی

۷-۲. افزایش باسوادی

۷-۳. افزایش صنعتی شدن

۷-۴. افزایش وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات

۷-۵. افزایش روشنفکران

۷-۶. تحولات جمعیتی و ساختاری

۸. آنچه در مقام جمع‌بندی کتاب آمده است، جایگاه ویژه شاخص اقتصاد است که کارکرد امنیت‌زایی بالایی دارد و به زعم مؤلف، کانون اصلی توسعه و امنیت در این کشورها به شمار می‌آید. بعد از این کانون، «مسأله محیط زیست» و «منابع طبیعی» مطرح می‌شود که دومین چالش مهم را برای این کشورها شکل می‌دهد. سومین چالش، ابعاد اجتماعی «امنیت» را دربرمی‌گیرد که موسوم به «امنیت اجتماعی» است. در پایان، ملاحظات سیاسی چون

شکاف‌های قومی، رقابت‌های سیاسی لجام‌گسیخته، مسأله مشارکت عمومی، و مهمتر از همه مسأله دولت، مطرح می‌شوند که هر یک، ارزش امنیتی مستقلی در کتاب یافته‌اند.

۹. با توجه به شیوع مسأله دولت در سطح کشورهای جهان سوم، مؤلف بحث مستقلی را به بررسی نظریات دولت در جهان سوم، تصدی‌گری دولت، بحران مشروعیت و بالاخره کارآمدی دولت‌ها اختصاص داده و به شکل مبسوطی مشکل دولت در جهان سوم را به عنوان معضل امنیتی معرفی کرده است.

۱۰. آخرین فصل کتاب به طرح این پرسش اختصاص دارد که جهان سوم باید به سوی اتخاذ کدامین الگو به پیش رود و چه می‌تواند بکند؟ ملاحظات انتقادی مؤلف در باب امنیت، وی را به ایده «بومی‌سازی الگوی توسعه» می‌رساند. یعنی همان ایده‌ای که در ابتدای کتاب و در ذیل ملاحظات امنیت پژوهانه مطرح کرده بود. در واقع، دست‌یابی به تعریف و الگوی بومی از امنیت در کنار الگوی بومی «خوداتکایی» اقتصادی، می‌تواند «توسعه» و «امنیت» را به صورت توأمان برای کشورهای جهان سوم به ارمغان آورد.

ب. بررسی کتاب

کتاب «مطالعات امنیت ملی» از آنجا که شأن آموزشی بالایی دارد، بیشتر به ذکر دیدگاه‌های مختلف اختصاص یافته و از این حیث، نقد محتوایی آن مطابق الگوی آثار پژوهشی صرف که دربردارنده یک الگوی خاص می‌باشد؛ چندان موضوعیت ندارد. آنچه در ادامه می‌آید ملاحظات انتقادی است که دربردارنده وجوه قوت و ضعف اثر می‌باشند. به عبارت دیگر، نقد در اینجا با تلقی کلاسیک آن مدنظر است که بررسی وجوه مختلف اثر را شامل می‌شود.

۱. امتیاز نخست اثر، آشنایی مؤلف آن با مطالعات امنیتی و مسائل اجتماعی است. توضیح آنکه در کشورهای توسعه نیافته، کمتر نویسندگان و محققانی را می‌توان سراغ گرفت که به تحدید حوزه مطالعاتی خود اقدام ورزیده و از این طریق، تعمیق مباحث را دنبال کرده باشند. در حوزه مطالعات امنیتی نیز درکشور ما چندین نفر چنین رویکردی را اتخاذ نموده‌اند که آقای دکتر ربیعی یکی از آنهاست. این امر سبب شده تا استواری اثر در حد قابل قبولی باشد.

۲. توجه به ابعاد آموزشی در تهیه اثر، از جمله نکات مثبتی است که تجلی آن را می‌توان در جامعیت نسبی اثر مشاهده کرد. در واقع، عمده محورهای مطرح در حوزه مطالعات امنیتی و توسعه به نوعی در این اثر طرح و مورد توجه قرار گرفته‌اند که در مقام آموزش می‌توانند مفید واقع شوند.

۳. ایجاد ارتباط بین دو مفهوم توسعه و امنیت به اثر حاضر جذابیتی خاص می‌بخشد که ریشه در نیازمندی‌های جامعه ما دارد. در واقع، کتاب از آن حیث که در بستر نیازمندی‌های جامعه ایران نگاشته شده، می‌تواند مخاطبان بومی را به خوبی جلب نماید. به عبارت دیگر اثر حاضر، ذهنی‌گرایی را پیشه ننموده و کاربردی شده است که این امتیاز درخور توجهی است و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. در مجموع هدف مؤلف برای توسعه مطالعات بومی در حوزه توسعه و امنیت، اهمیت بالایی دارد که نگارش و انتشار آثاری از این قبیل را توجیه می‌کند.

۴. از جمله موضوعاتی که می‌تواند در ویرایش بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد، طرح اجمالی موضوعاتی است که به دلیل پیچیدگی و اهمیت، اختصار در آنها به اختلال در معنا منجر شده است. برای مثال می‌توان به موضوعات زیر اشاره داشت:

یک. سناریوهای احتمالی در خصوص وضعیت نظم بین‌المللی و جایگاه امنیتی جهان سوم در آن که به رغم اهمیت بالا، در حدیک پاراگراف مورد توجه قرار گرفته است. (ص ۴۲)

دو. تعریف، تحلیل و نقد مکاتب اصلی در حوزه مطالعات امنیتی که ارزش آموزشی - پژوهشی بالایی دارد ولی عموماً به ذکر کلیات آنها بسنده شده است. به نظر می‌رسد، این محورها از جمله مواردی هستند که نگرش مؤلف نسبت به آنها می‌توانست به صورت مؤثر ظاهر شود، اما به ذکر دیدگاه نویسندگانی چند بسنده شده است. (ص ۵۶)

سه. در بحث رویکردهای مدرن امنیتی (ص ۷۸)، برداشت امنیتی مؤلف اندک است و بیشتر به ذکر اصول و کلیات روش‌شناختی پوزیتیویسم و فراپوزیتیویسم بسنده شده که معمولاً در فلسفه علم و فلسفه علوم اجتماعی بدانها پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد که بازخوانی امنیتی این روش‌ها نیاز جامعه علمی ما را شکل می‌دهد که لازم است بدان پرداخته شود.

چهار. در بحث گونه‌شناسی، سه‌هیافت ذاتی گرایانه، قراردادی‌گرایانه و گفتمانی به رغم اهمیت و پیچیدگی‌ای که دارند؛ خیلی مختصر معرفی شده‌اند به گونه‌ای که خواننده را کفایت نموده

و آنها را در حد کتاب حاضر نمی‌یابد. (ص ۱۰۴) شایان ذکر است که اجمال در موارد بالا از آن حیث مورد نقد قرار گرفته که در برخی از موارد، مسائل عمومی‌تری چون سطوح امنیت یا ابعاد آن به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند که ضرورت آن چندان احساس نمی‌شود.

۵. درحالی‌که بسیاری از محورهای طرح شده در حوزه امنیت پژوهی و مطالعات توسعه توسط مؤلف مشابهت زیادی با سایر آثار منتشره دارد، اما ذکری از این منابع به بیان نیامده است. به نظر می‌رسد چنانچه مؤلف برای مطالعه بیشتر دانشجویان در کنار منابع مرجعی که خود از آنها استفاده نموده، آنان را به کتاب‌های فارسی که در همین زمینه چاپ و عرضه شده‌اند، ارجاع می‌داد؛ کتاب غنی‌تر می‌شد. برای مثال می‌توان به کتاب‌هایی چون فهم سیاست در جهان سوم، نظریه‌های امنیت، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی و ... اشاره کرد.

۶. موضوع امنیت اجتماعی حتی در مطالعات تخصصی امنیتی، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است که می‌طلبد مفاهیمی چون

Social Dimension of Security, Societal Security, Social Security, Security of Society را با دقت از هم تفکیک کنیم. متأسفانه این مهم در این قسمت به انجام نرسیده و به احتمال زیاد برداشت ناصواب خواننده را از مطالب آرایه شده به دنبال خواهد داشت.

۷. عدم ذکر منابع در پاره‌ای از موارد، خواننده را در مراجعه به متون اصلی با مشکل مواجه می‌سازد. برای مثال می‌توان به استناد به دیدگاه‌های رونپرنگ اشاره داشت.

۸. کتاب از داشتن فهرست منابع و فهرست اعلام محروم است و این موضوع برای اثری در این سطح، نقیصه‌ای شکلی به شمار می‌آید که لازم است تدارک شود.

جمع‌بندی

حوزه مطالعات امنیتی در ایران طی سال‌های اخیر شاهد رشد و بالندگی درخور توجهی است که انتشار اثر حاضر - به دلیل تألیفی بودن - از جمله مصادیق آن به شمار می‌آید. کتاب در مجموع توانسته بین ملاحظات آموزشی و دیدگاه پژوهی مؤلف ارتباط برقرار کند. به همین دلیل است که می‌توان آن را اثری خوب در حوزه امنیت پژوهی به شمار آورد که دانشجویان می‌توانند از آن بهره‌ها ببرند. البته نباید فراموش کرد که غلبه صیغه آموزشی، حجم بالایی از

متن را به گردآوری از متون دیگر تبدیل ساخته که در این سطح تقیصه به شمار نیامده و جامعیت اثر را به دنبال داشته است. انتشار آثاری از این قبیل می‌تواند راه را بر مطالعات بومی در ایران هموار سازد و از این حیث گامی به جلو به شمار می‌آید. امید آنکه این نسل از نویسندگان بتوانند به نهادینه کردن این حوزه مطالعاتی در سطح نظام آموزشی و پژوهشی کشور نایل آیند و استمرار آن را بدین صورت تضمین نمایند.

دکتر محمدرضا زمانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی